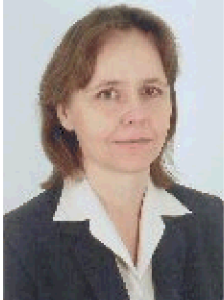


نقد: اعتلا بخش دموکراسی

نگارش بریگیته گایسل^۱

برگردان ناصر ایرانیپور



بریگیته گایسل

امروزه در تحقیقات فرهنگ سیاسی قابلیت‌های دموکراتیک نقد بطور فزاینده‌ای مورد تأکید قرار می‌گیرد. انتقاد سیاسی و شهروندان منتقد جزء شاخص‌های مهم هر دموکراسی واقعی و نماد ثبات سیاسی هر جامعه مدنی و سالم بشمار می‌روند.

بنابراین باید پرسید که «انتقاد سیاسی» اساساً چیست و معیار سنجش آن چه می‌باشد. همچنین باید سوال کرد که انواع مختلف انتقادگر با دیدگاه‌های متفاوت کدامها هستند. اینجا بر اساس نظرسنجی‌های کمی که در شرق و غرب آلمان صورت گرفتند، تزهایی مبتنی بر تجربه و آروین‌گرایی جهت پاسخگویی به سوالات مطروحه فرموله می‌شوند.

بسیاری بر این باور بودند که در هر جامعه دموکراتیک زمانی ثبات تأمین می‌گردد که دموکراسی آن از حمایت وسیعی در میان مردم برخوردار باشد. استدلال می‌شد که تنها در این صورت است که دموکراسیها کارکرد مثبت خود را خواهند داشت و در بحرانها راسخ خواهند ماند. چنین بود که حمایت سیاسی و مشروعیت از جانب مردم چندین دهه در کانون توجه تحقیقات فرهنگ سیاسی قرار داشتند. اما این استدلال و این کانون عطف مدتی است که زیر سوال رفته است، چرا که از دهه ۹۰ سده پیش برداشتی که بر آن است که انتقاد منبع دموکراسی می‌باشد، پیوسته هواخواهان بیشتری می‌یابد. بدین ترتیب اعتقادی که در دهه ۱۹۶۰ از طرف محققین اولیه و اصلی حوزه فرهنگ سیاسی، یعنی گابریل آلموند، سیدنی وریا، همچنین دیوید استون نمایندگی می‌شد و بر آن بود که انتقاد در نظام دموکراتیک نه تنها شاخص و نمود بحران نیست، بلکه حتی محرک اصلاحات سیاسی و برون رفتن از بحران هم می‌باشد، گردگیری شد و دوباره در مرکز توجه تحقیقات علمی قرار گرفت.

اکنون دیگر محققان فرهنگ سیاسی پیوسته تأکید می‌کنند که انتقاد سیاسی نه تنها تهدیدی برای دموکراسی محسوب نمی‌شود، بلکه موجبات پویایی آن را نیز فراهم می‌آورد. در پژوهشی که اینجا معرفی می‌گردد، انتقاد سیاسی بطور سیستماتیک دسته‌بندی می‌گردد؛ یک نوع توپولوژی صورت می‌گیرد و مختصات هر یک از انواع انتقاد سیاسی ترسیم می‌گردد.

مفهوم «انتقاد» در ادبیات بطور چندجانبه بکار برده می‌شود. اولاً غالباً هم‌معنی نارضایتی سیاسی محسوب می‌شود. دوماً در ادبیات تخصصی همچنین به مفهوم یک گرایش نرماتیو رفتاری، یعنی آمادگی انتقاد، یافت می‌شود که در آن این پرسش طرح می‌شود که آمادگی انتقاد چه اهمیت و جایگاهی در خودانگاری و همچنین در تصورات انسانها بعنوان شهروند دارد. سوماً انتقاد به مفهوم نقد ارزشهای پایه‌ای بطور ویژه مورد توجه و ارزیابی قرار می‌گیرد. قابلیت‌های مثبت انحصاراً به آن انتقادهایی نسبت داده می‌شود که با اصول پایه‌ای دموکراسی در انطباق باشند.

در ارتباط با نارضایتی سیاسی، در ارتباط با آمادگی انتقاد و همچنین در ارتباط با دیدگاه‌های انتقادی نتایج جالب و مفیدی در دسترس قرار دارند. البته تاکنون تحلیلی که هر سه جنبه را به یاری یک توپولوژی مورد کاوش قرار دهد و سیمای هر یک از آنها را ترسیم و تحلیل کند، وجود نداشته است.

پژوهشی موردی در سطح محلی

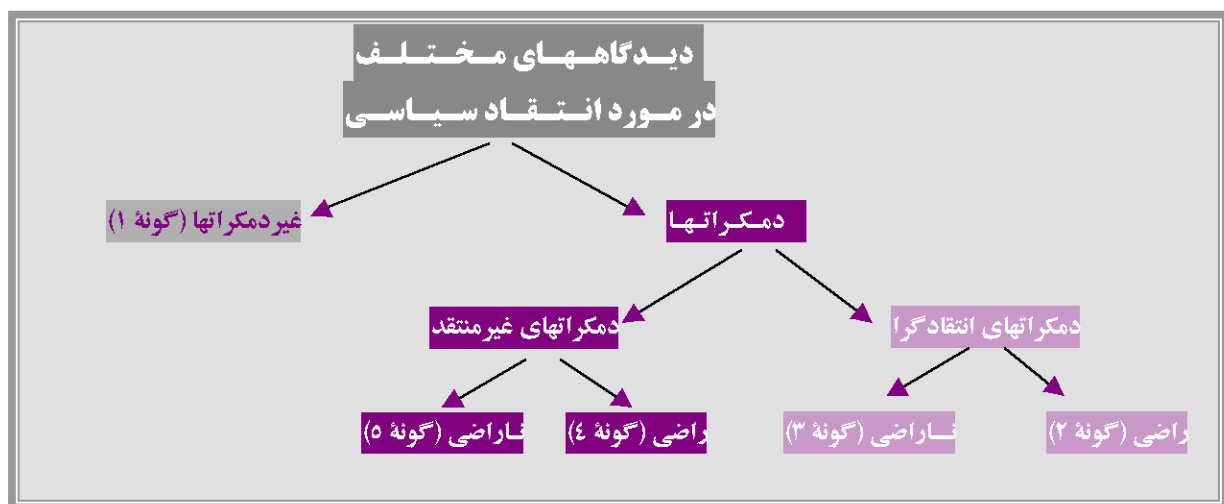
تجزیه و تحلیل تجربه گرایانه حاضر به پشتوانه نتایج نظرسنجی شهروندان در شهرهای برگزیده شده‌ای از آلمان صورت می‌گیرد که در چارچوب پروژه «نخبگان محلی» در یک حوزه ویژه پژوهشی تحت نام «سیر جامعه پس از تغییر سیستم سیاسی (وحدت مجدد آلمان) - گسست، سنت و ساختار سازی» در دانشگاه مارتین لوتر هاله - ویتنبرگ انجام گرفته است.

^۱ دکتر بریگیته گایسل (Brigitte Geißel) در دانشگاه‌های متعدد آلمان تدریس نموده و از ژانویه ۲۰۰۴ در «مرکز تحقیقات اجتماعی برلین» به پژوهش مشغول است. حوزه تحقیقاتی وی اکنون فرهنگ سیاسی، مشارکت سیاسی، اشکال نوین جامعه مدنی، ... می‌باشد. مقاله حاضر در مجله «مرکز علمی برلین»، شماره ۱۰۵/ سپتامبر ۲۰۰۴ انتشار یافته است. عنوان مقاله به آلمانی Dynamik durch Zufriedene – Kritiker gut für die Demokratie und Unzufriedene بوده است که من آن را قدری تلخیص نموده‌ام. (مترجم)

داده‌های به دست آمده در این پژوهش مربوط به سطح محلی^۲ هستند، بطور مشخص مربوط به کولن و هاله (شهرهای بزرگ)، یولیش و دساو (شهرهای متوسط) و «حوزه‌های اداری»^۳ بر گیش‌گلاباخ و زال کرایس. در این شهرها و حوزه‌های اداری ۲۰۰۰ شهروند بالای ۱۸ سال که واجد شرایط شرکت هم در انتخابات شهری (محلی) و هم در انتخابات فدرال هستند، از طریق مصاحبه‌های تلفنی کامپیوتریزه شده (CATI) مورد سوال قرار گرفتند. این پژوهش، یک تفحص موردی و تزگرا بوده است و نه در جهت تأیید تزی.

شکل‌بندی نوعها (Type) با گرایشهای مختلف آنها در مورد انتقاد سیاسی بر پیوند هر سه بعد نامبرده استوار بوده است: «دمکرات/غیردمکرات»، «انتقادگرا/غیرمنتقد» و «رضایت/نارضایتی». ابتدا بین مصاحبه‌شوندگانی که اصول پایه‌ای دمکراتیک را مورد پشتیبانی قرار می‌دهند با مصاحبه‌شوندگانی که رویهٔ مخالف آن را دارند، تمایزگذاری شد. غیردمکراتها در اینجا به دلیل تعداد قلیل آنها به زیرگروه‌های مختلفی تقسیم نمی‌گردند. اما جانبداران اصول دمکراتیک به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول آنانی را در برمی‌گیرد که برای انتقاد کردن آمادگی دارند [و انتقادگرا هستند] و گروه دوم را کسانی تشکیل می‌دهند که حاضر به انتقاد نمودن نیستند [و انتقادگرا نیستند].

دومین گام تمایزگذاری مربوط می‌گشت به رضامندی سیاسی و این، دو گروهی بودند که یکی از آنها از اعضای راضی تشکیل می‌گردید و گروه دوم از افراد ناراضی که تعداد زیادی از پرسشهای ارزشیابی را منفی پاسخ دادند. بدین ترتیب پنج گونه (Type) ذیل با گرایشهای سیاسی متفاوتی در مقابل انتقاد سیاسی بدست داده شد: گونه ۱: غیردمکراتها؛ گونه ۲: دمکراتهای انتقادگر راضی؛ گونه ۳: دمکراتهای انتقادگر ناراضی؛ گونه ۴: دمکراتهای غیرمنتقد ناراضی (بنگرید به شکل ۱). این گونه‌ها ذیلاً «گونه‌های نقد» نامیده می‌شوند.



شکل ۱: سیستماتیک گونه‌های انتقاد

مصاحبه‌شوندگان در کدامیک از گونه‌های نقد جایی می‌گیرند؟ جانبداران دمکراسی با ۷۰ درصد بزرگترین تعداد را داشتند. در بین این دمکراتها گونهٔ راضی‌های انتقادگر با ۲۶٫۶ درصد بیشترین تعداد را داشتند (گونه ۲)، دومین گروه بزرگ را با ۱۸٫۴ درصد راضی‌های غیرمنتقد تشکیل می‌دادند (گونه ۴). گروه بعدی با ۱۶٫۳ درصد گروه ناراضی‌های منتقد بودند (گونه ۳). ناراضی‌های غیرمنتقد با ۸٫۴ درصد ضعیف‌ترین گروه را تشکیل می‌دادند (گونه ۵). جمعاً ۱۸٫۸ درصد از مصاحبه‌شوندگان جزء گروه غیردمکراتها (گونه ۱) محسوب می‌شدند.

بیشتر از ده درصد مصاحبه‌شوندگان به دلیل داده‌های ناکافی در بخش مربوطه هنگام تحلیل در نظر گرفته نشدند. بر حسب انتظار تعداد ناراضیان و همچنین غیردمکراتها در مناطق مصاحبه‌شده شرق آلمان بیشتر از مصاحبه‌شوندگان غرب این کشور بود.

^۲ در این کشور صفت «محلی» به سطح شهری گفته می‌شود، در حالیکه این واژه در ایران سهواً و عمدتاً به مناطق بزرگی چون آذربایجان، کردستان، بلوچستان،... اطلاق می‌شود، تا از جایگاه، خواسته‌ها و اهمیت مسائل آنها کاسته شود. (مترجم)

^۳ در ساختار کشوری آلمان غالباً از چند شهر کوچک یک حوزهٔ اداری مشترک بوجود آورده‌اند، بدین معنی که شهرهای کوچک از لحاظ اداری وابسته به شهرهای بزرگ نیستند، بلکه بین خود سواى دستگاه اداری شهری خاص خود، یک واحد اداری فراشهری مشترک به اسم «کرایس» (به معنی لغوی «دایره» نیز بوجود آورده‌اند. بدین ترتیب ایالتها از شهرها و حوزه‌های اداری تشکیل می‌گردند (و نه از شهرهای بزرگ و شهرکها). این کار با هدف ممانعت از تمرکز و وابستگی، حتی در سطح ایالتی و منطقه‌ای صورت گرفته است. (مترجم)

افراد غیر دمکرات برخوردار از آگاهی کم

آیا بین هر یک از ابعاد نامبرده رابطه‌ای وجود دارد؟ خیر، هیچ پیوند مهمی بین رضامندی و نارضامندی از طرفی و آمادگی نقد از طرفی دیگر وجود ندارد. نه افرادی که راضی هستند خود را به میزان مهمی بعنوان انسانهای اصولاً انتقادگر (و غیرمنتقد) نشان دادند و نه ناراضیان. رابطه‌ای که بین دیدگاههای افراد مصاحبه‌شونده در رابطه با اصول پایه‌ای دمکراتیک از طرفی و رضامندی آنها از طرفی دیگر وجود داشت، مهم، اما ضعیف بود، البته پیوند نارضایتی مصاحبه‌شوندگان با دیدگاههای غیردمکراتیک اندکی بیشتر بود. چنین به نظر آمد که آمادگی برای نقد و دیدگاههای غیردمکراتیک با هم در پیوند نیستند. آمادگی برای انتقاد کردن در افراد و بخشهای مورد سوال قرار گرفته نه با دیدگاههای دمکراتیک نسبت داشت و نه با مواضع غیردمکراتیک.

هر کدام از گونه‌ها چه ویژگیها و گرایشهایی داشتند؟ آیا آنها سیمای (Profile) متفاوت از هم دارند؟ در تحقیقات فرهنگ سیاسی هیچ معیار منسجمی و عام‌پذیری برای تحلیل گرایشهای سیاسی وجود ندارد، بلکه تنها تفاوت گذارهای متعدد هستند که صورت می‌گیرند.

گزینش ویژگیها برای تحلیل سیمای قبل از همه بر طبق نظریات پیشکسوتان این حوزه تحقیقاتی، یعنی آلموند و وربا، و همچنین بر اساس نظریات وسعت‌بخشیده شده امروزه آنها صورت می‌پذیرد: گرایشهای معرفتی (مطلع بودن)، آمادگی مشارکت و مشارکت، برداشتهایی که در مورد آمادگی نظام سیاسی برای نشان دادن عکس‌العمل در مقابل آرزوهای شهروندان وجود دارد («عوامل بیرونی» (External Efficacy))، برآورد توانایی سیاسی خودی («عوامل درونی» (Internal Efficacy)) و بیگانگی (دوری) و نزدیکی (بیگانگی) سیاسی. جدول شماره ۱ اطلاعات کلی در مورد نرخهای متوسط در گونه‌های نقد در پیوند با این گرایشها را در اختیار می‌گذارد.

در همان نگاه نخست مشخص می‌شود که غیردمکراتها نه تنها از آگاهی کمتری (زیر میانگین) برخوردار هستند، بلکه تأثیرات و عوامل درونی و برونی، آمادگی مشارکت و مشارکت و احساس بیگانگی سیاسی آنها نیز در قیاس با سنخهای دیگر ضعیف‌تر می‌باشند، در حالیکه تپ دمکرات نقاد راضی در تمام گرایشها از لحاظ میزان اطلاعات و آگاهی نرخهای بالای میانگین را داشت. همچنین از این جدول مشخص می‌گردد که گرایشها در امتداد خطوط جداکننده، با هم متفاوت هستند؛ بخشاً رضامندی بعد جداکننده است (در عوامل برونی) و بخشاً آمادگی برای انتقاد (مثلاً در داشتن آگاهی)، و اصولاً بطور کلی دیدگاه و موضع در مقابل اندیشه‌های دمکراتیک نقش با اهمیتی در این ارتباط بازی می‌کند.

دمکراتهای نقدگرا

یکی از ویژگیهایی که توسط جدول نمی‌توان نشان داد ساختار مشارکت است: حسب‌الانتظار مشخص گردید که آمادگی انتقاد (دمکراتیک) چون یک شاخص مهم برای میزان مشارکت عمل می‌کند. البته هنگام وجود همین میزان از مشارکت یا آمادگی برای مشارکت، اشکال مشارکت از هم متمایز می‌گردند که در آنها انتقادگران راضی و انتقادگران ناراضی فعال می‌شوند. برای نمونه افراد راضی‌ای که آمادگی انتقاد کردن دارند (سنخ ۲) تمایل بیشتری برای عضویت و فعالیت در احزاب دارند، در حالیکه منتقدین ناراضی (سنخ ۳) بیشتر گرایش به اشکال مشارکت غیرنهادی دارد. در مجموع می‌توان تشخیص داد که هماهنگی سه بعد - رضامندی، آمادگی برای انتقاد، دیدگاه دمکراتیک - سیمای (Profile) گروههای برخوردار از دیدگاههای متفاوت در باره نقد سیاسی را بهتر نمایان می‌سازد. این کار از طریق تحلیل ویژگیهای مجرد کمتر میسر می‌باشد.

بحث در مورد شهروند ایده‌آل و آرمانی دمکرات و نقش انتقاد سیاسی به اندازه بحث در مورد دموکراسی قدمت دارد. تعداد خیلی زیادی از فیلسوفان سیاسی، دانشمندان علوم اجتماعی و به ویژه وزرای فرهنگ تلاش می‌کنند، ویژگیهای «یک انسان دمکرات» را به نرم تبدیل نموده، به شیوه تجربی ثبت و مورد تفحص و آموزش قرار دهند. بسته به درکی که در مورد دموکراسی وجود دارد، ویژگیهای مختلفی مورد توجه قرار می‌گیرد (مثلاً آمادگی برای مشارکت در روند سیاسی جامعه، خصائل دمکراتیک، معرفت سیاسی).

اینجا هدف این بود که از تعداد ممکنات زیادی که وجود داشت مدخلی برگزیده شود که ضرورت تکامل و توسعه دموکراسی و توانایی‌های آن را در مرکز توجه قرار می‌دهد. سوال اینجاست که چه شهروندانی باعث انطباق نظام دمکراتیک با شرایط و بسترهای در حال تغییر می‌شوند و یا حداقل در برنامه دارند، همچون نقشی را ایفا کنند؟

مخصوصاً دمکراتهای آماده انتقاد از این منظر بعنوان منبع دمکراسی شناخته می‌شوند، آن هم در صورت ایده‌آل در ترکیبی از افراد راضی و ناراضی انتقاد گر. آنها بیشتر از حد میانگین جامعه مطلع هستند، تمایل به مشارکت در سرنوشت سیاسی جامعه دارند (هر چند که اشکال این مشارکتها متفاوت هستند) و برای آمادگی نظام سیاسی برای نشان دادن عکس‌العمل در برابر آمال و آرزوهای شهروندان ارزش قائل هستند. انرژی پوینده و نیروی محرکه‌ای که از آن بوجود می‌آید، قادر است تحول دمکراتیک جامعه را سرعت بخشد و آن را شکوفا سازد.

گونه ۱	گونه ۲	گونه ۳	گونه ۴	گونه ۵	
غیردمکرات	دمکرات انتقادگر راضی	دمکرات انتقادگر ناراضی	دمکرات غیرمنتقد راضی	دمکرات غیر منتقد ناراضی	
-	+	+	±	±	درجه آگاهی
-	+	+	±	±	عوامل درونی
-	+	±	+	-	عوامل برونی
-	+	±	±	-	یگانگی/ایگانگی
-	+	+	±	-	مشارکت/آمادگی برای مشارکت

جدول ۱: سیمای گونه‌های انتقاد

توضیحات: - زیر میانگین + بالای میانگین ± حد میانگین

اما مشاهده و ویژگیهای گونه‌های مختلف انتقاد تنها یک سوی قضیه می‌باشد. اثرات و فواید شهروندان منتقد نیز می‌بایست مورد بررسی دقیق‌تر قرار بگیرند. چون نظریه‌های تئوریک مبتنی بر گرایشهای سودمندان بنا را بر این می‌گذارند که مشارکت بیش از حد شهروندان در پروسه سیاسی جامعه تأثیرات منفی بر بازده و کارایی و فواید سیاست می‌گذارد. از این منظر می‌توان تصور کرد که هر چند که شهروندان آماده انتقاد از مختصات دمکراتیک برخوردارند، اما دست آخر در نظام دمکراتیک به کیفیت سیاست زیان می‌رسانند. چنین تدابیری حکایت از یک مشکل عمومی تحقیقات فرهنگ سیاسی می‌نماید، و آن این است که هم‌پیوندی گرایشهای سیاسی فردی و عملکردهای شهروندان از طرفی و توانایی‌ها و ظرفیتها و همچنین کارآمدی نظام دمکراتیک از طرفی دیگر همچنان معما می‌باشند.

در خاتمه یکبار دیگر تأکید می‌شود که نتایج این پژوهش معرفی شده تزرگرا به واری و بازسنجی از طریق داده‌های عام‌بخش و در حالت ایده‌آل به تجزیه و تحلیل مستمر نیاز دارد. بدین ترتیب تعداد زیادی پرسشهای از لحاظ علمی جالب و از لحاظ سیاسی منطقی در مقابل «تحقیقات انتقاد سیاسی» وجود دارند.

منابع:

Brigitte Geissel, Critical Citizens as a Democratic Resource? – Comparing Types of Critics in East- and West-Germany, Annual Meeting of the American Political Science Association, September 2 – September 5, 2004, http://archive.allacademic.com/publication/apsa_index.php

Richard I. Hofferbert, Hans-Dieter Klingemann, Democracy and Its Discontents in Post-Wall Germany, 19 S. (WZB- Bestellnummer FS III 00-207)

Pippa Norris (Hg.), **Critical Citizens: Global Support for Democratic Government**, Oxford, U.K.: Oxford University Press 1999, 303 S.

Bettina Westle, „Politische Folgeund Kritikbereitschaft der Deutschen“, in: ZUMA-Nachrichten 41/1997, 21, S. 100–126

مأخذ:

<http://www.wz-berlin.de/publikation/pdf/wm105/s47-49.pdf#search=brigitte%20gei%C3%9Fel%20kritiker%20demokratie>